

## آینده قیمت نفت و پیام کنفرانس کاراکاس

### دکتر فرشید سیم بر

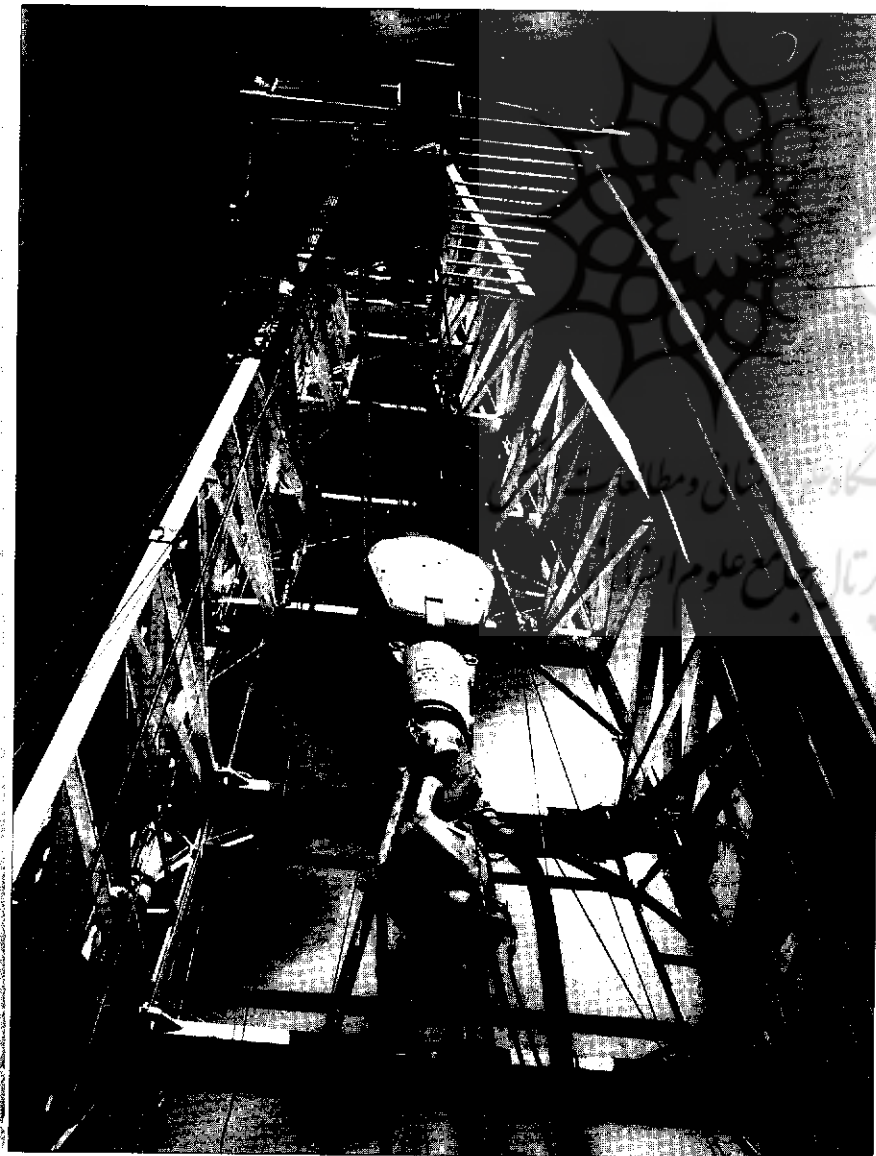
اجلاس اخیر سران اوپک، دومین اجلاس سران کشورهای تولیدکننده نفت است. نخستین اجلاس در ۱۹۷۵ میلادی به پیشنهاد بومدین رییس جمهور وقت الجزیره در پایتخت کشور مزبور تشکیل شد. در اجلاس نخست، سران کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) اتواستند با اتخاذ تصمیماتی از قبیل ایجاد صندوقی برای کمک به کشورهای فقیر و در حال توسعه که در اثر افزایش قیمت نفت دچار مضایق شدیدی شده بودند و هم چنین ارایه پیشنهاد به کشورهای در حال توسعه مبنی بر این که با سرمشق گرفتن از اوپک می‌توانند با ایجاد اتحادیه‌ای در مورد مواد اولیه صادراتی شان، در راستای دفاع از منافع خویش در قبال سیاست‌های انحصارگرایانه و یک جانبه شرکت‌های چندملیتی عمل کنند، روزانه امید جدیدی میان دولت‌ها و روشنفکران و مردم جهان فقیر به وجود آورند. لاقلاً بسیاری از مصلحان و متعبدان اجتماعی در کشورهای فقیر متوجه شدند که شاید راه نجاتی برایشان متصور باشد و برای دست‌یابی بدان نمی‌بایست امید خویش را به کشورهای صنعتی بزرگ منحصر کنند، بلکه بیشتر باید به خود متکی باشند.

پس از گذشت بیست و پنج سال، بار دیگر سران اوپک در «کاراکاس» گردآمدند تا تمایل جدی خود را برای حفظ منافع اعضای این سازمان نشان دهند. ظاهراً اوپک می‌خواهد منافع اعضای خود را نه تنها از راه جلوگیری از کاهش مجدد قیمت نفت (که در نیمه دوم سال میلادی گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته بود) تحقق بخشد، بلکه در نهایت در مسیر دستیابی به ارزش واقعی نفت گام نهد.

این در حالی است که سال گذشته، یعنی بعد از حدود چهل سال که از تأسیس اوپک می‌گذرد، سازمان مزبور با بحران هویت روبرو شده بود.

راستی را، در این یک سال چه اتفاق مهمی در بازار انرژی به طور اعم و در بازار نفت به طور اخص رخ داده که مسبب دگرگونی‌های این چنینی در بازار انرژی شده است؟ در پاسخ باید متذکر شد امری که مسلم به نظر می‌آید این است که نمی‌توان رخدادهای اقتصادی را مسبب این دگرگونی‌هایی دانست. هر چند سال گذشته اقتصاد جهانی

از رکود سال‌های ۸-۱۹۹۷ خارج شده و به سوی رونق در حرکت بود، اما تنها رونق اقتصادی، یا دقیق‌تر بگوئیم، افزایش تقاضای بیشتر انرژی و در پی آن افزایش تقاضای بیشتر برای مواد فسیلی از جمله نفت، بازگوکننده دگرگونی در بازار انرژی نیست. پس ظاهراً به غیر از دلایل اقتصادی که موجب کاهش و یا افزایش تقاضای مواد انرژی



۲- اصل اطمینان، بدان معنی است که ضریب مالیاتی و زمان و طریق بخشودگی هایی که بدهکار مالیاتی از آن منتفع می شود، کاملاً در قانون مشخص باشد.

۳- اصل سهولت، بدان معنی است که بدهکاران مالیاتی به سهولت بتوانند بدهی مالیاتی شان را بپردازند؛ یعنی شرایط و زمان پرداخت برای بدهکاران مالیاتی سهل و آسان باشد.

۴- اصل صرفه جویی، یعنی این که با صرف کمترین هزینه ها، دولت به بیشترین حجم دریافتی نایل شود.

در جوار این اصول چهارگانه که اولین بار آنها را آدام اسمیت مطرح کرد، می بایست اهداف دیگری را هم که به دلیل شرایط اقتصادی امروزی، یا در جوار اصول چهارگانه فوق وجود دارد، یادآور شد. این اهداف عبارتند از بالاترین درآمد ممکنه برای دولت، هدایت و ارشاد اقتصادی و تعدیل اجتماعی.

عدالت مالیاتی و کسب بیشترین درآمد با هم در تضاد است و به همین روال بیشترین درآمد مالیاتی با عدالت اجتماعی و بالاخره هدف راهبردی اقتصادی مالیاتی با هر دو هدف عدالت مالیاتی و هدف بیشترین درآمد، در تضاد است (۱).

میزان مالیات بر انرژی را که دول کشورهای صنعتی از نفت وارداتی و مشتقات آن دریافت می کنند، در مواردی بیشترین درآمد را برای این دول تشکیل می دهد.

در اینجا می بایست به برخی نکات تفکربرانگیز در مورد مالیات بر مواد انرژی وارداتی، علی الخصوص مالیات بالا بر واردات نفتی و مشتقات آن در کشورهای صنعتی، که مهم ترین مصرف کنندگان این ماده هستند، توجه کرد. هدف اولیه اخذ این مالیات در راستای ارشاد اقتصادی و اجتماعی بوده است، بدین معنی که کشورهای صنعتی اکثراً خودداری مواد انرژی فسیلی، مانند زغال سنگ و نفت بوده و یا هستند. بیش از آن که نفت ارزان وارداتی خاورمیانه بتواند نقش اساسی را در رفع نیازمندی های انرژی آنان به عهده گیرد، مواد فسیلی داخلی شان این نقش را ایفا می کرده. استخراج و تبدیل این مواد،

کشورهای صنعتی گوشزد کرده اند و می کنند. آنان مداوم این نکته را متذکر می شوند که در پی یافتن راه هایی برای تأمین منافع تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هستند.

این وضعیت، مسلماً همان حالتی است که هر انسانی منطقی و صلح جو و تساوی طلب خواهان آن است. زیرا در صورت تحقق یافتن چنین وضعیتی، هم تنش های جهانی کاهش می یابد و هم این که ملت های جهان دارای این احساس خواهند بود که حقوقی از آنان ضایع نشده و لاجرم دلیلی برای عدم تفاهم و برقراری همکاری های عادلانه و پایدار جهانی نمی تواند وجود داشته باشد. در همین راستا می بایست ظاهراً نامناسب بودن ضرایب بسیار بالای مالیاتی بر مواد فسیلی (نفت و انواع مشتقاتش) در کشورهای صنعتی مورد بازبینی قرار گیرد.

اصولاً اگر به اصول اخذ مالیات توجه کنیم، در آن صورت چهار اصل زیر را می توانیم برای اخذ مالیات بر شماریم:

۱- اصل عدالت، اقتضای می کند که هر کس که دارای درآمد بیشتری است مالیات بیشتری بپردازد.

در کوتاه مدت می شود، می بایست دلیل و یا دلایل اقتصادی بنیادی و اساسی تر مؤثر بر بازار انرژی که بخش زیاد آن غیرعلنی است، در جوار عوامل سیاسی و استراتژیکی مورد توجه قرار گیرد. این دسته از عوامل، هراز چندگاهی چهره نشان می دهد و به صورت جدی و دلبره آور، ارکان اجتماعی جهان صنعتی را به لرزه در می آورد و بدانان یادآور می شود که نظرات سودجویانه و نفع طلبانه آنان در میان مدت و درازمدت ویرانگر است و شانسی چندانی برای بقا ندارد.

این درست همان پیامی بود که سران کشورهای نفت خیز و صادرکننده نفت که بعد از بیست و پنج سال در «کاراکاس» تشکیل جلسه دادند به طور غیرمستقیم به مسئولان کشورهای قدرتمند صنعتی و سوداگران بین المللی گوشزد کردند. پیام اجلاس کاراکاس حاوی نکاتی چند بود، از جمله:

۱- منابع فسیلی دارای ذخایر معین و مشخصی است و با اصراری که آنان در مصرف آن دارند، دیر یا زود، جهان با پدیده جدی کمبود انرژی روبرو خواهد شد.

۲- کشورهای صنعتی بیش از نود سال از «نفت» برای پیشرفت و توسعه و رفاه خویش، به طور غیرمنصفانه بهره برداری کرده اند و صاحبان اصلی آن را در عسرت نگاه داشته اند. در نتیجه، اکنون صاحبان نفت مجذانه و به حق، خواهان روند توسعه و پیشرفت خویش هستند و از این رو در پی آنند تا دستکم از بخشی از امکاناتی که این ماده در روند توسعه کشورهای پیشرفته ایفا کرده، بهره مند شوند. این خواسته دیگر جزء اصولی ترین و پایه ای ترین مبانی حقوق بشری و انسانی است که مسلماً نمی توان برای همیشه، یا مدتی طولانی تر از این نمود سال، آن را ندیده گرفت. در غیر این صورت مسلماً تنش های منطقه ای و بین المللی روبه تزاید خواهد گذاشت که نتیجه آن چیزی جز اتلاف منابع و نیروهای انسانی و روبرو ساختن جامعه بشری با مشکلات عدیده و پیچیده تر، نخواهد بود.

این همان دورنمایی است که سران اوپک به صورت هشدار به مسئولین

## موسسه فرهنگی آموزشی

### زبان سرا




**نماینده انحصاری دانشگاه آکسفورد (OUP) و مرکز آموزشی و آزمونهای اتاق بازرگانی لندن (LCCI)**

**آمادگی فوری جهت ارائه خدمات ذیل اعلام میدارد:**

- ✓ دوره مهارت کاربردی ترجمی زبان انگلیسی با مدرک وزارت ارشاد اسلامی
- ✓ کلاسهای مکالمه ۱، ۲ و ۳ روز در هفته
- ✓ کلاسهای مکالمه گرامر ۳ روز در هفته
- ✓ کلاسهای مکالمه زبان فرانسه ۳ روز در هفته
- ✓ کلاسهای تک جلسه موضوعی زبان انگلیسی
- ✓ تورهای آموزشی - تفریحی نیم روزه و یک روزه به زبان انگلیسی
- ✓ کلاسهای تلفظ و آوا شناسی زبان انگلیسی
- ✓ برگزارکننده انحصاری آزمون ELSA و سایر آزمونهای اتاق بازرگانی لندن LCCI با اعطای دیپلم رسمی از انگلستان (معتبر در ۸۰ کشور جهان و مورد قبول بیشتر دانشگاههای اروپا)
- ✓ عرضه کننده جدیدترین کتب، دیوار و فیلمهای آموزشی از دانشگاه آکسفورد
- ✓ تنها سازنده لابراتوارهای کامپیوتری و الکترونیکی زبان به تأییدیه سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران و تنها صادرکننده سیستم لابراتوار زبان به خارج از کشور

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۲۲  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۶۸۲۰۵ - ۶۶۶۲۶۱۲ - ۰۲۱-۶۶۰۱۲۳۷ - ۰۲۱-۶۴۱۷۱۱۹ فکس: ۰۲۱-۶۴۶۲۱۵۲  
Email: zabansara@ravan.com

به ویژه زغال سنگ در کشورهای صنعتی،  
اولاً سرمایه‌گذاری‌های بس‌بالایی را می‌طلبید، که  
این عمل طی دهه‌های اولیه و میانه قرن بیستم در  
این کشورها انجام یافته و ثانیاً تولید و تبدیل این  
مواد نیروی کار عظیمی از حجم نیروی کارگری  
این کشورها را به خود اختصاص می‌داده که بدون  
شک در برقراری تعادل بازار و همین‌طور بهبود  
وضعیت اجتماعی و رونق و آبادانی مناطقی که در آن  
مواد معدنی فسیلی قرار دارند، مؤثر بوده است.

از این رو کشورهای صنعتی برای جلوگیری  
از جایگزینی کامل نفت وارداتی و ارزان که ناشی  
از سیاست‌های انحصارگرایانه شرکت‌های  
چندملیتی و سیاست‌های سلطه‌جویانه کشورهای  
صنعتی بر کشورهای تولیدکننده بوده، و نیز برای  
پیشگیری از عواقب ناگوار این جایگزینی کامل،  
یعنی افزایش بیکاری و حفظ تعادل‌های اجتماعی،  
اقدام به اخذ مالیات با ضرایب بالا از نفت وارداتی  
و مشتقات آن کردند.

این مالیات در حقیقت بهره متفاوتی است که  
نفت خاورمیانه در قبال زغال سنگ و یانفت تولیدی  
کشورهای صنعتی دارا بوده که ناشی از پایین  
بودن هزینه‌های این تولید و همین‌طور مازاد انرژی  
حرارتی نفت در قبال سوخت زغال سنگ است،  
که بدون شک به صاحبان اصلی آن، یعنی  
کشورهای تولید و صادرکننده نفت تعلق دارد. در  
این مورد کافی است به نظریه آدام اسمیت، در  
مورد بهره مالکانه توجه کنیم: ... مالک گاهی برای  
آن منابع طبیعی که مصنوعاً قابل توسعه نیست،  
بهره مالکانه می‌خواهد... در حوالی جزایر شتلند  
(واقع در شمال اسکاتلند)، دریا سرشار از ماهی  
است که بخش بزرگی از خوراک ساکنان این جزایر  
را تشکیل می‌دهد. لیکن برای آن‌که آنان از حاصل  
دریا بهره گیرند باید در اراضی مجاور آن سکونت  
اختیار کنند. در این مورد بهره مالکانه مالک نه فقط  
به تناسب محصول کشاورزی اراضی، بلکه به  
نسبت این محصول و محصول دریا تعیین  
می‌گردد (۲) ... پس مالک این گونه زمین‌ها، هم  
بهره مالکانه زمین را از کشاورزان اخذ می‌نماید و  
هم بهره‌ی مالکانه از ماهیان دریایی را که  
کشاورزان ساکن در منطقه از آنان برای تغذیه  
خویش استفاده می‌کنند، هرچند این ماهی‌ها دارای  
مالک شخصی نباشند. تحلیل اولیه بهره مالکانه  
آدام اسمیت، توسط اقتصاددانان بعدی به صورت  
دقیق‌تر و رساتری عنوان شده که در زیر، به  
صورت خلاصه، بدان اشاره‌ای خواهیم داشت.

قیمت نفت و قیمت هزینه‌های اجتماعی نفت  
خام توسط مخارج سرمایه‌های به کار گرفته شده  
در مخزن‌هایی تعیین می‌گردد که استخراج در آن  
مخزن‌ها نسبت به بقیه مناطق در بدترین و  
نامناسب‌ترین شرایط باشد. بدین سان، سود  
خارق‌العاده‌ای حاصل می‌شود که به صورت  
دایمی بوده و جزء اجزای کمی بهره‌های متفاوت  
است. بنابراین می‌توانیم اصولاً در مورد بهره  
متفاوت معادن بگوییم که «بهره متفاوت عبارت  
است، از تفاوت هزینه‌های تولید در معادن  
و مخازنی با شرایط نامناسب با هزینه‌های  
تولید در معادن و مخازنی با شرایط مناسب و  
یا معادن و مخازنی که دارای کمترین  
هزینه‌های تولید باشند (۳). بدین سان، بهره  
متفاوت از بهره‌های گوناگونی تشکیل یافته که  
مهم‌ترین آنها عبارتند از: بهره بازدهی و بهره

## مالیات‌های دریافتی کشورهای صنعتی از نفت وارداتی، آنها را فربه‌تر و ثروتمندتر و صاحبان اصلی نفت را لاغرتر و فقیرتر می‌کند

مخزن و بهره‌استخراج.

بهره بازدهی، بستگی تام به اندازه و جایگاه  
جغرافیایی مخزن و حجم قابل بهره‌برداری مواد  
معدنی دارد. از سوی دیگر، بهره مخازن، مرتبط با  
فاصله جغرافیایی محل استخراج و جایگاه مصرف  
است. زیرا فواصل متفاوت مکان‌های جغرافیایی،  
هزینه‌های حمل و نقل متفاوتی دارد. هرگاه سرمایه  
به کار گرفته شده در قسمت استخراج افزایش  
یابد (به صورتی که این امر منتهی به استخراج

بیشتر شود)، در آن صورت بهره‌ای به وجود  
می‌آید که بدان بهره استخراج می‌گویند که ناشی  
از مابه‌التفاوت هزینه‌های تولید و استخراج قبل و  
بعد از افزایش سرمایه به کار گرفته شده است. یا  
به عبارت دیگر، ناشی از شگردهای شناسی  
(تکنولوژی) های متفاوت بهره‌برداری و  
آماده‌سازی است که منتهی به درجه‌های متفاوت  
استخراج و درجه متفاوت تخلیه مخازن می‌شود.  
امروزه در جوار این بهره‌های متفاوت کلاسیک  
برای معادن گوناگون، در مورد استخراج نفت،  
می‌بایست بهره‌های دیگر در قبال زغال سنگ و گاز  
را بدان‌ها افزود. بهره‌های مزبور عبارتند از:  
«بهره زیست‌محیطی»، «بهره افزون‌تر  
فرآورده‌ها» و «بهره انرژی حرارتی بیشتر». البته  
در قبال گاز، بهره زیست‌محیطی نفت منفی است،  
ولی بهره افزون‌تر فرآورده‌ها و همین‌طور بهره  
انرژی حرارتی بیشتر، مثبت است (۴).

از هنگام استخراج نفت در کشورهای  
نفت خیز، به ویژه از دهه سوم قرن بیستم،  
اختلافاتی اساسی میان کشورهای تولیدکننده  
و صادرکننده نفت، شرکت‌های بزرگ نفتی و  
کشورهای مصرف‌کننده، که ناشی از ادعاهایی  
است که هریک از این سه گروه بر سر بهره‌های  
متفاوت، (از استخراج تا مصرف نفت)، دارند،  
وجود داشته است. ولی همان‌گونه که بیان شد،  
این بهره‌ها به صاحبان اصلی این ماده، یعنی  
کشورهای تولید و صادرکننده نفت تعلق دارد، در  
حالی که تاکنون، قسمت اعظم آن را شرکت‌های  
بزرگ نفتی و انحصارگران بازار نفت و یا  
کشورهای مصرف‌کننده که قسمت عمده آن را  
کشورهای صنعتی غرب و شمال قاره آمریکا  
تشکیل می‌دهند، به صورت مالیات‌های گوناگون  
تصاحب نموده‌اند. برای تشریح اثرات این گونه  
مالیات‌ها بر وضعیت اقتصادی کشورهای نفت خیز  
و همین‌طور بر رشد اقتصادی و رفاه عمومی  
کشورهای صنعتی، لازم است به صورت مختصر  
ولی گویا توضیحاتی ارائه دهیم. کافی است به  
نظریات «ریکاردو» در مورد هدف و عملکرد اخذ  
مالیات از جانب دولت توجه کنیم. ریکاردو اعتقاد  
دارد: «مالیات بخشی از محصول زمین و کار  
کشور است که در اختیار حکومت قرار داده  
می‌شود و همیشه باید در نهایت یا از محل  
سرمایه کشور پرداخت شود و یا از محل درآمد  
آن ... اگر مصرف حکومت که با اخذ مالیات  
افزایش می‌یابد با افزایش تولید، یا با کاهش

نفت بوده، مالیاتی به نام مالیات بر کربن بر مواد نفتی بستند که مقرر بود تا اوآخرد دهه نود مقدار آن به ده دلار به ازاء هر بشکه برسد. هدف ظاهری از برقراری چنین مالیاتی زدودن آلودگی‌های ناشی از سوخت مواد فسیلی، علی‌الخصوص نفت بوده که بر جامعه آنها و جهان تحمیل می‌شود. شگفتی این عمل از آنجا ناشی می‌شود که آلوده‌کننده جهان همان کشورهای صنعتی هستند که بیشترین مقدار از نفت استخراجی جهان را مصرف می‌کنند و بهره زیست محیطی که می‌بایست اینان به کشورهای صادرکننده نفت و همین‌طور سایر کشورهای دیگر که در قبال آلوده‌سازی آنان متضرر می‌شوند، بپردازند، خودشان آن را غصب کنند.

۵- اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی - جلد اول از آثار و مکاتبات دیوید ریکاردو. ویراسته پیرو سرافا - موریس راب - ترجمه حبیب‌الله تیموری - نشر نی - ۱۳۷۴. ص ۱۶۵.

۶- در مورد مصرف مولد و نامولد، ریکاردو اعتقاد دارد که تولیدات یک کشور و کلا مصرف، می‌شود مولد بودن یا نامولد بودن. مصرف بستگی به مصرف‌کننده دارد. بدین صورت که اگر مصرف‌کننده بعد از مصرف دست به ایجاد ارزشی نو بزند، در آن صورت مصرف مولد بوده. بنابراین حتی اگر تولیدکننده در هنگام خلق ارزش نودست به ایجاد کالای مصرفی بر طبق اصطلاح امروزه بزند، به عنوان نیروی مولد به حساب خواهد آمد. بنابراین اخذ مالیات بر مواد نفتی در کشورهای صنعتی هرچند موجب جذب بهره‌های متفاوت نفت صادر شده کشورهای نفت خیز می‌شود (که این امر مسبب تقلیل مصرف آنان خواهد شد) ولی در کشورهای صنعتی اضافه مصرفی را چه برای بخش خصوصی و چه برای بخش دولتی در پی خواهد داشت. از آنجا که برحسب تعاریف رایج شده توسط ریکاردو، مالیات اخذ شده ارزش جدیدی در کشورهای صنعتی می‌آفریند، سرمایه ملی در آنجا کاستی نمی‌گیرد. البته این نتیجه در کل برای اقتصاد جهانی قابل تعمیم نیست.

۷- اصول اقتصاد سیاسی... نوشته ریکاردو - ص ۱۶۶.

این بار موفق خواهند شد از درماندگی و ویرانی بیشتر کشورشان جلوگیری کنند؟  
زمانی که این مقاله آماده چاپ می‌شد، با وجود استیلاي سرمایه کم سابقه‌ای در آمریکای شمالی و اروپای صنعتی، قیمت‌های جهانی نفت، بعد از یک دوره موقت افزایش، روند کاهشی شدیدی یافته بود. همین امر نشان می‌دهد که کشورهای تولیدکننده نفت برای رسیدن به حداقلی از حقوق خود، هنوز راه پرمخاطره و درازي در پیش دارند.

---

### منابع و ماخذ

- ۱- دکتر باقر قدیری اصل - کلیات علم اقتصاد - انتشارات سپهر. چاپ سوم. صفحه ۹۵-۹۵۲
- ۲- در این باره نگاه کنید به کتاب آدام اسمیت و ثروت ملل - ترجمه محمدعلی کاتوزیان شرکت کتاب‌های جیبی - چاپ اول - سال ۱۳۵۸ - ص ۱۴۶.
- 3-G. hoell: Dic Grundrente and entwicklungdes DES Kapitalismus- Berlin 1974-5
- ۴- این نکته حائز اهمیت است که کشورهای صنعتی بعد از پایین آوردن قیمت نفت در دهه هشتاد و نود که در حقیقت به منظور تمتع جویی و تصاحب سهم هرچه بیشتر از بهره‌های متفاوت

مصرف مردم، جبران شود، مالیات از محل درآمد اخذ شده است، [لذا] سرمایه ملی کاستی نمی‌گیرد. اما اگر تولید افزایش نیابد، یا از مصرف نامولد کاسته نشود، مالیات لزوماً از محل سرمایه اخذ شده، یعنی کاستی در اندوخته تخصیص یافته برای مصرف مولد، پدید آمده است (۵). ریکاردو میان مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه تفاوت قایل شده و هم چنین با تمایز قایل شدن بین مصرف مولد و مصرف نامولد، به نتیجه‌ای بس مهم دست می‌یابد و آن این که هرگاه بعد از اخذ مالیات توسط دولت، اگر مصرف کاهش نیابد و یا مصرف نامولد کاهش نیابد، در آن صورت مالیات، از سرمایه اخذ شده و در حقیقت سرمایه اختصاص به مصرف می‌یابد و لاجرم سرمایه کشور تقلیل پیدا می‌کند (۶).

افزون بر آن، ریکاردو معتقد است که مالیات بخشی از محصول زمین و کار کشور است که در اختیار دولت قرار می‌گیرد. حال نکته حائز اهمیت این است که نفت محصول زمین کدام کشور و کار مردم چه منطقه‌ای است؟ و در این فرآیند، مالیات برقرار شده برای آن، به چه دولتی تعلق گیرد؟ هم چنین، ریکاردو عقیده دارد. «... به نسبتی

که سرمایه کشوری کاهش یابد، تولیدات آن نیز لزوماً کاهش خواهد یافت، بنابراین اگر مصرف نامولد مردم و حکومت تغییر نکند، درحالی که تجدید سالانه تولید پیوسته در کاهش است، منابع مردم مملکت به سرعتی فزاینده کاستی می‌گیسرد و درماندگی و ویرانی در پی خواهد آمد (۷)».

همان‌گونه که بیان شد، غصب و تصاحب بهره‌های ناشی از نفت توسط پایین آوردن تصنعی قیمت این ماده حیاتی با اخذ مالیات‌های متفاوت از جانب دول صنعتی، نصیب این دول می‌گردد که در پی آن کاستی سرمایه‌های ملی کشورهای صاحب نفت، طبق نظریات ریکاردو، مسجل به نظر می‌آید. کاستی سرمایه و یا حتی عدم توقف رشد آن مسبب درماندگی و ویرانی این کشورها خواهد بود، امری که بیش از نود سال است در کشورهای نفت خیز جریان دارد. سران اوپک در کاراکاس در پی ممانعت از کاستی سرمایه ملی شان بودند. آیا

# شرکت سکو ایران

سکو

## تمت لیسانس کارفانمات سکو ایتالیا

**تولید کننده:**

**پروفیل، در، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای، سقف کاذب، نرده، ملزومات اداری و کرکره برقی**

**سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده**

---

**دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای شمالی، شماره ۲۶۴، ساختمان سکو**

تلفن: (۱۰ خط) ۸۹۰۳۸۶۶

فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

**E-mail: info@secco.com**